

چکیده

تئیدگی‌های موجود در محیط‌های آموزشی به جهت حساسیت‌های موجود در این قبیل محیط‌ها بیش از سایر مشاغل فرد را به سمت تحلیل رفتگی شغلی سوق می‌دهد که در این بین نقش تعدیل‌گر هوش معنوی و هیجانی قابل توجه است. هدف پژوهش حاضر تعیین نقش مولفه‌های هوش معنوی و هوش هیجانی در تبیین تحلیل رفتگی شغلی کارکنان آموزش و پرورش شهرستان طارم بود. روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی و معادله پیش‌بین بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی کارکنان آموزش و پرورش شهرستان طارم در نیمسال دوم سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۶ به تعداد ۱۱۲۶ نفر بود که از این بین نمونه‌ای به حجم ۱۸۵ نفر با توجه به جدول مورگان، ملاک ورود و خروج پژوهش و با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب و پرسشنامه‌های هوش معنوی کینگ (۲۰۰۸)، هوش هیجانی شوت (۱۹۹۸)، تحلیل رفتگی شغلی مسلش (۱۹۸۱) را تکمیل کردند. داده‌های به دست آمده با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد بین مولفه‌های هوش معنوی و هوش هیجانی با تحلیل رفتگی شغلی کارکنان آموزش و پرورش شهرستان طارم رابطه منفی و معنادار وجود دارد ($P < 0/05$). همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد مولفه‌های آگاهی متعالی، بسط حالت هشیاری، تنظیم هیجان، تولید معنای شخصی، و بهره‌برداری از هیجان به صورت منفی و در مجموع ۵۲ درصد از تغییرات تحلیل رفتگی شغلی کارکنان آموزش و پرورش شهرستان طارم را پیش‌بینی می‌کنند ($R^2 = 0/516$). بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت مولفه‌های هوش معنوی و هوش هیجانی با تحلیل رفتگی شغلی کارکنان آموزش و پرورش شهرستان طارم رابطه داشته و تا حدودی قادر به پیش‌بینی معنی‌دار آن هستند.

کلید واژه‌ها: هوش معنوی، هوش هیجانی، تحلیل رفتگی شغلی، آموزش و پرورش